ستیز یووه ـ میلان جدی‌تری شد
شیرر؛ توفیق‌ها و افسوس‌هایش
مصدومان جام جهانی
۲۲

تیم منتخب فصل
مدیریت رویدادهای ورزشی
گفت‌وگو با نیما نکیسا
۲۳

استقلال ۸۵
تذکرات آئین‌نامه‌ای
عنایتی: ۹۰ درصد می‌روم
۲۴

تلاش برای رازگشایی از اتفاقی که قهرمانی را از پاس گرفت

اگر به اصفهان می رفتم امروز دنیزلی نبودم

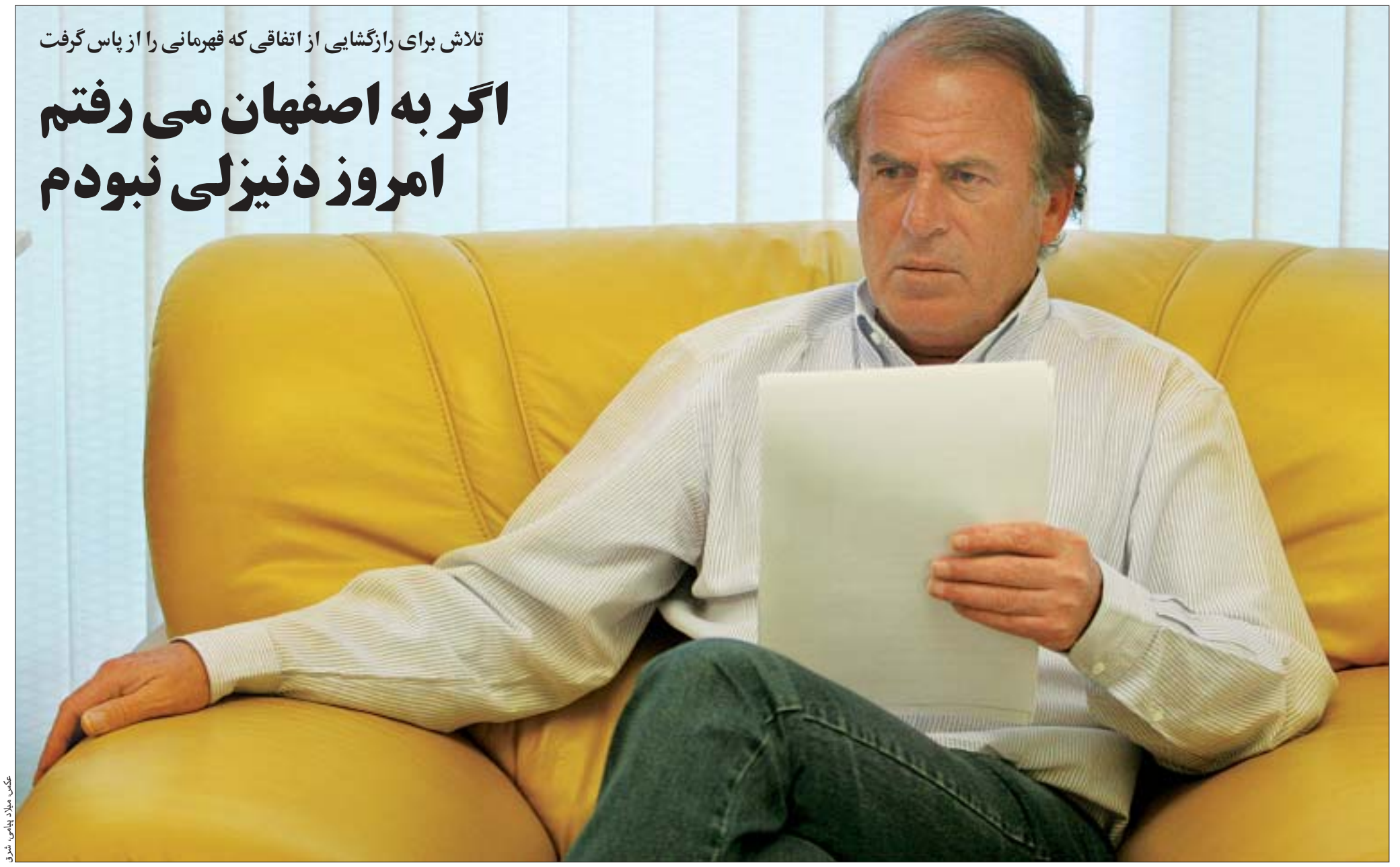

عکس: میلاد پیامی، شرق

خبر آخر

ایمان به سیموئز

سیموئز، مسعود شجاعی را ستاره تیمش می‌داند و در طول سفرهای مختلف به او تاکید کرده است وقتش را در ایران تلف نکند، چون او می‌تواند ستاره تیم‌های اروپایی شود. «سیموئز بارها در مورد فوتبال اروپا با من حرف زده و فیلم تیم‌های مطرح اروپا را برایم می‌گذارد تا نقاط ضعف‌ام را برطرف کنم. او بی‌نظیر است تا به حال مربی‌ای ندیده‌ام که تا این حد دلسوز باشد. من هم با جان و دل برایش بازی می‌کنم.» رنه در ویتنام اصرار داشت بازوبند کاپیتانی را شجاعی بر بازوی خود ببندد اما... «سیدجلال حسینی از من بزرگتر است و وقتی به سیموئز گفتم قبول کرد که کاپیتان نباشم.» مسعود به این تیم امیدوار است تا کاری را که خیلی از ستاره‌ها موفق به انجام آن نشدند، آنها به اتمام برسانند. «شک نکنید این تیم به المپیک خواهد رفت، تیم سیموئز در آسیا همتا نخواهد داشت، من فکر نمی‌کنم ژاپن، کره و... هم قدرت تیم ایران را داشته باشند. مطمئن باشید ما را در المپیک خواهید دید.»

تیم ملی با نفرات ذخیره

فهرست تیم ملی برای برانکو با نفرات ذخیره جذاب‌تر است. اختراعی که امتیازش در اختیار برانکو است و احتمالاً قصد به ثبت رساندن آن را نیز دارد! در لیست تازه‌ای که ایوانکوویچ اعلام خواهد کرد ۶ بازیکن هم حضور دارند که در قسمتی به نام لیست ذخیره جا خواهند داشت تا درصورت نیاز به جمع ملی پوشان اضافه شوند! البته همان‌طور که می‌دانید هیچ‌گاه به لیست ذخیره نیازی نخواهد بود...

معادله حذفی

قهرمان لیگ مشخص شد اما هنوز دغدغه‌های جام حذفی باقی مانده است و برای فدراسیون فوتبال شمارش معکوس برای معرفی نماینده جام حذفی آغاز شده است. فدراسیون که قصد داشت تا روز ۱۵ اردیبهشت دومین نماینده ایران را در آسیا معرفی کند، با حقیقتی تند مواجه شده اینکه تا قهرمانی جام حذفی حدود ۱۰ بازی دیگر باقی مانده است و از طرفی برانکو هم می‌خواهد اردوی تیم ملی را آغاز کند و تیم را به سوئیس ببرد. در این راستا باید گفت پیدا کنید پرتقال فروش را!

بعد از سردار

بعد از اینکه قهرمانی لیگ به استقلال رسید، زمزمه‌های پایان مدیریت سردار آجورلو در پاس بازیکنان این تیم را به تکاپو واداشته است تا با دریافت رضایت‌نامه آنها هم از پاس جدا شوند. پس از اینکه آرش برهانی رضایت‌نامه‌اش را گرفت تا به النصر امارات برود، روز شنبه پنج بازیکن پشت در دفتر آجورلو ایستاده بودند و همه آنها یک درخواست داشتند، دریافت رضایت‌نامه از باشگاه پاس. به نظر می‌رسد پاس با خروج آجورلو دچار مسائلی خواهد شد که البته طبیعی است چون هنوز کسی از برنامه آینده نیروی انتظامی برای اداره پاس باخبر نیست.

پژمان راهبر: با امیر عربی و نیما رسول‌زاده رفته بودیم سراغ کسی که هنوز تردید داشتیم بهترین مربی امسال لیگ برتر فوتبال ایران است یا نه. رفته بودیم تا قبل از بازگشت او به ترکیه کمی بیشتر از مشی و رفتارش بدانیم و رفته بودیم تا از راز آن روزی که پاس را تنها گذاشت و قهرمانی را فدای خواسته‌اش کرد، باخبر شویم. گفت‌وگوی ما و مصطفی دنیزلی در شرایطی آغاز شد که فنرباغچه چند ساعت قبل با ۴ گل گالاتاسرای را شکست داده و قهرمانی خود را در لیگ ترکیه قطعی کرده بود. وقتی از او پرسیدیم نظرش درباره کریستف دام مربی موفق آلمانی فنر چیست؟ با لبخندی که لحظه‌ای از صورتش جدا نمی‌شد جواب داد: «فنر هم مثل استقلال قهرمان می‌شود!» و بعد گفت: «و البته هیچ کس به خاطر نخواهد آورد تیم دوم چگونه بازی کرده و چرا قهرمانی را از کف داده.» اما به یادش آوردیم که ما دقیقاً برای کشف همین نکته اینجاییم. دو ساعت بعد که وقت خداحافظی بود و به امید دیدار، از اینکه ورزشی نویس شدیم تا فرصت گپ زدن با او نصیبمان شود کاملاً خوشحال بودیم! دو سه روز پیش از آنکه او به ترکیه برگردد و احتمالاً هدایت همین گالاتاسرای خرد شده را برعهده بگیرد.

■■■

■چرا پاس قهرمان نشد؟ تیمی که به عقیده شما بهترین تیم ایران است.

اگر به تلاشی که پاس برای قهرمانی نشان داد نگاهی داشته باشیم باید از ابتدای لیگ شروع کنیم که خوب آغازش کردیم. اما بعد از بازی العین، چند نتیجه بد به دست آوردیم که البته طبیعی بود. حساب من این‌طور بود که در لیگ ایران تیمی که ۲/۱ امتیاز از هر بازی بگیرد به قهرمانی خواهد رسید. ما همیشه دوروبر این عدد بودیم، البته شده که متوسط‌مان به ۲/۴ برسد یا به ۱/۸ سقوط کند، اما نهایتاً عدد تقریباً دلخواه بود. در طول فصل مشکلاتی داشتیم که مهمترین آنها مصدومیت عیسی ترائوره و احمد کاظم بود و جدایی جواد نکونام. ولی تمام اینها نمی‌توانست مانع قهرمانی ما باشد. ما یک تیم متفاوت در لیگ ایران بودیم، مثلاً نقشه بازی‌مان را براساس تعدادی گلزن خاص طرح نکردیم. رکورد بیشترین گل زده لیگ در اختیار ماست، در عین حال یک عنوان دیگر... بیشترین گل نزده را هم داشتیم که به این معنا است که ما قادر به خلق موقعیت گل به تعداد زیاد هستیم. به نظر من با تمام اینها، دو بازی مقابل تیم‌های اصفهانی سرنوشت لیگ را تعیین کرد. یکی‌اش بازی ذوب‌آهن بود که من به آن جا نرفتم و دیگری بازی سپاهان که تصمیم اشتباه داوران در گل چهارم سپاهان ـ که خیلی واضح آفساید بود ـ سرنوشت‌ساز شد، البته این را باید بگویم که اشتباهات داوری ممکن است پیش بیاید. البته بازی ذوب‌آهن و شکست ما از تصمیم داور مهمتر بود چون در آن برهه هیچ تیمی نبود که بتواند بر ما غلبه کند. اما در بازی ذوب‌آهن ناخن از گوشت جدا شد.

■این یک ضرب‌المثل ترکی است و معنی‌اش جدایی شماست از تیم؟ شما خودتان را بابت این اتفاق سرزنش می‌کنید؟

نه، به هیچ‌وجه. ده بار هم اتفاق بیفتد همین تصمیم را می‌گرفتم.

■ما امروز آمده‌ایم تا علت آن اتفاق را بشنویم.

من پاسخ شما را نخواهم داد مگر آنکه مجبور شوم بگویم.

■اینکه پاس قهرمان نشده دلیل خوبی برای گفتن‌اش نیست؟

من خودم هم می‌گویم علت قهرمان نشدن ما بازی ذوب‌آهن است.

■و علت آن شکست معروف؟

سئوال دیگری دارید...؟

■می‌خواهم بدانید این سئوال به جز جذابیت ژورنالیستی‌اش، ممکن است منجر به نتیجه‌ای بشود که برای کل فوتبال ما مهم و اثرگذار باشد.

کاری که من کردم، احترام به خودم و شغلم بود.

■ممکن است ما اتفاق را شرح بدهیم و شما تایید و تکذیب کنید؟

نه، شاید در آینده یک نفر بگوید.

■مهربان‌تر از این حرف‌ها به نظر می‌رسید.

(می‌خندد)...

■وقتی پاس به ذوب‌آهن باخت، تهران بودید؟

بله، اینجا بودم، شبش رفتم ترکیه اما بازی را دیدم.

■اینکه زحمت یک فصل داشت به هدر می‌رفت، ناراحتتان نمی‌کرد؟

چرا. خیلی ناراحت شدم.

■این کار شما باعث شد خیلی‌ها بگویند شما نسبت به پاس و خودتان احساس مسئولیت نکردید.

یک مربی قهرمانی‌ها را می‌تواند به دست بیاورد و یا از دست بدهد، اما اگر شخصیت اش را از دست بدهد دیگر نمی‌تواند آن را به دست بیاورد.

■راجع به این مشی که یک مربی به مدیر یک باشگاه یاد بدهد که از توافقات عدول نکند حرف بزنیم.

یک مربی می‌تواند از حقوق خود بگذرد، اما از رفتاری که در مقابلش انجام شود نمی‌تواند بگذرد. در یک باشگاه هر کسی کار خودش را انجام می‌دهد، من کار خودم را انجام دادم و در کار دیگری هم دخالت نمی‌کنم. البته از این حرف این برداشت را نکنید که در کار من دخالت شده. در این ۳۵ سال هیچ‌کس نتوانسته در کار من دخالت کند. اما برای قهرمانی «علم»، «تجربه»، «استراتژی» و «مدیریت» لازم است. مدیریت!

■آیا موضع آقای دنیزلی به دلیل نحوه ورودشان به پاس و قرارداد سنگین ایشان است یا شخصیت فردی خودشان؟

فلسفه حیات یک مربی در تیم‌هایی که کار می‌کند عوض نمی‌شود.

■فلسفه شما چیست؟

فلسفه من، تلاش کردن، هدف‌گیری دقیق، دفاع کردن از حقوق بازیکنان، دفاع کردن از تیم و حفاظت از منافع باشگاه...

■اما شما در غیبت‌تان مقابل ذوب منافع باشگاه را رعایت نکردید.

...

■اگر می‌دانستید ۰-۳ می‌بازید باز همین کار را می‌کردید؟ ما تقریباً از شکست پاس در اصفهان در غیاب شما مطمئن بودیم.

حرکتی که من کردم به نتیجه‌ای که تیم گرفت ربطی نداشت.

■اما تیم پاس، تیم دنیزلی است و تمام انرژی‌اش از دنیزلی است.

...

■آیا اگر امشب شما مربی تیم قهرمان بودید امروز لذت بیشتری نمی‌بردید؟

می‌شود بحث کرد.

■ما برای بحث آمده‌ایم. اصولگرایی یا قهرمانی؟

هر آدمی جواب خودش را برای این سئوال دارد، مربیانی هستند که برای یک قهرمانی حاضرند از همه چیز بگذرند. اگر من در بازی ذوب‌آهن هم در کنار تیم بودم و الان قهرمان بودیم همه خوشحال بودند که پاس با من قهرمان می‌شد. ولی من همیشه ناراحتی آن روز را در دلم داشتم.

■یعنی وجدانتان ناراحت بود؟

بله. من در هر دو تیم گالا و فنر مربی بودم و با هر دو قهرمان شدم، تمام این موضوعات آنجا هم بود، از خیلی‌ها گذشتم و از مواردی که نمی‌شد، نگذشتم. وقتی که قراردادم را با فنر قطع کردم سالی ۲ میلیون دلار درآمد داشتم. یادتان باشد گام اصلی قهرمانی اداره کردن موازی و درست تیم از نظر سازماندهی و اداری و همین‌طور از نظر تکنیکی و فنی است.

■اگر آن روز با این موضوع برخورد نکرده بودید؟

اگر این طور برخورد نکرده بودم امروز دنیزلی نبودم.

■چند سال دیگر مربی خواهید بود؟

۴ سال دیگر کار مربیگری می‌کنم.

■خوشحالم که هنوز اینقدر ایده‌آلیست هستید که روی اصولتان می‌ایستید. اول کار به نظرم پیرمردی بودید که آمده‌اید پول دربیاورید و بروید...

(می‌خندد)...

■یک سئوال ما را جواب ندادید. حقوق باشگاه!

منظورم از حقوق باشگاه کاملاً مالی و مادی است، من مسئول حفظ حقوق باشگاه در مقابل فدراسیون و رسانه‌ها نیستم. این وظیفه مدیران دیگر تیم است.

مثلاً اول سال یک بودجه ۷۰ تا ۱۰۰ هزار یورویی برای اردوی خارجی لازم بود ولی من دیدم باشگاه پول ندارد و کمپ خارجی از کشور را لغو کردم. ما جزء معدود تیم‌هایی بودیم که در ایران اردو گذاشتیم. یا مثلاً یک چیز دیگر، بازیکنان پاس با وجود حضور در جمع مدعیان کمترین پاداش را در میان لیگ برتری‌ها گرفتند، این یک صرفه‌جویی مالی بود که با وجود هفته‌ها صدرنشینی با برنامه‌ریزی من اتفاق افتاد. اما اگر کسی حتی به این هم راضی نباشد و در مقابل این برنامه بایستد طبیعی است که در مقابلش می‌ایستم. به هر حال پاس در این دوره چیزهای خیلی مهم‌تر از قهرمانی به دست آورده و خیالم از این بابت راحت است.

■از اینکه قهرمان نشدید چقدر ناراحتید؟

خیلی ناراحتم. در درجه اول برای بازیکنانم ناراحتم، ما بهترین بازیکنان ایران را نداریم ولی بدون شک بهترین تیم ایران هستیم.

■کدام تیم بهترین بازیکنان را داشت؟

بهترین نفرات را استقلال و ذوب‌آهن و صبا و پرسپولیس داشتند.

■می‌شود این بهترین‌ها را نام ببرید؟

در این تیم‌ها کلی آدم هست که می‌پسندم. در استقلال جباری، عنایتی، نیکبخت، اکبرپور، دروازه‌بان‌شان طالب‌لو، شماره ۳ امیرآبادی، فکری و... در پرسپولیس باقری و همین طور کاویانپور که بازیکن باتجربه و باکیفیتی بود و کاظمیان اگر کار تیمی بکند یا خطیبی و کاپیتان سپاهان نویدکیا. شماره ۳۰ ذوب‌آهن رجب‌زاده... یک نفر هم هست که امسال خوب بازی نکرد اما فوق‌العاده باکیفیت است، مصطفی مهدی‌زاده. خیلی استعداد دارید مثلاً آندرانیک تیموریان.

■شنیده بودیم سیاوش اکبرپور را دوست دارید.

دوست داشتن چیز دیگری است و پسندیدن چیز دیگری. من او را می‌پسندم ولی بازیکنان تیم خودم را دوست دارم. سیاوش یکی از تاثیرگذارترین فوروارد‌ها است.

■اگر قرار بود در ایران بمانید و قدرت خرید هر بازیکنی را داشتید، کدام بازیکنان را به پاس اضافه می‌کردید؟

الان حرف زدن در این باره بی‌معنا است. اما پارسال فهرستی داده بودم که از آن پنج نفر فقط یکی‌شان آمد. اگر آندرانیک یا مهدی‌زاده را می‌خریدیم به احتمال زیاد جام باشگاه‌های آسیا را می‌بردیم.

■لابه‌لای حرف‌هایتان گفتید پاس تیم شما «بود» آیا معنی حرف شما این است که دیگر به ایران باز نمی‌گردید؟

راجع به فردا کسی نمی‌تواند حرفی بزند... من کارم را در ایران به اتمام رساندم ولی زندگی پر از شگفتی‌ها است... باتری من تمام شد؛ باتری شما چی؟

■ما هنوز انرژی داریم. حداقل به اندازه چند سئوال. از جمله اینکه نظرتان درباره قهرمانی استقلال چیست؟

آنها عناصر لازم برای قهرمانی را داشتند، چیزهایی مثل طرفدار و حمایت رسانه‌ها.

■ مربی؟

در مورد مربی نمی‌توانم صحبت کنم چون شناختی ندارم. اگر بخواهم از نحوه بازی‌شان روی مربی‌شان قضاوت کنم باید بگویم بازی با استقلال خیلی سخت نبود. آنها در دو بازی هم نتوانستند به ما گل بزنند. استقلال به نظر من تیمی آمد که راحت می‌شد بازش کرد ولی کادر بازیکنان خوبی دارد و این برای لیگ ایران کافی بود. البته صد درصد در این موفقیت مربی نقش داشته ولی اینکه چقدر... نمی‌دانم.

■و پاس تیم پرطرفداری نبود. این شما را ناراحت نمی‌کرد؟

واقعیتش روز اولی که آمدم اینجا بازی پاس و فولاد را نگاه کردم و نمی‌دانم چطور پاس آن روز تعداد زیادی تماشاچی داشت اما بعداً از این طرفداران خبری نبود.

ادامه در صفحه ۲۴

خلاصه گفت وگو

۱-مربیانی هستند که برای یک قهرمانی حاضرند از همه چیز بگذرند. اگر من در بازی ذوب‌آهن هم در کنار تیم بودم و الان قهرمان بودیم همه خوشحال بودند که پاس با من قهرمان می‌شد. ولی من همیشه ناراحتی آن روز را در دلم داشتم.

۲-در مورد قلعه نویی نمی‌توانم صحبت کنم چون شناختی ندارم. اگر بخواهم از نحوه بازی استقلال روی مربی‌شان قضاوت کنم باید بگویم بازی با استقلال خیلی سخت نبود. آنها در دو بازی هم نتوانستند به ما گل بزنند. استقلال به نظر من تیمی آمد که راحت می‌شد بازش کرد.

دقیقه صفر

آقا مصطفای بزرگ

امیر عربی

اینجا به عقیده خیلی‌ها امیر قلعه‌نویی بهترین مربی سال است. اما آیا می‌شود به واسطه یک نشان قهرمانی قلعه‌نویی را برتر از مربیانی چون مصطفی دنیزلی دانست؟ برای پاسخ به این سئوال می‌توانیم شرایط دو تیم استقلال و پاس را در لیگ برتر پنجم بازبینی کنیم و ببینیم که دو مربی در چه شرایطی تیم‌هایشان را رهبری کرده‌اند و سپس نتیجه بگیریم که کدام‌یک عملکرد بهتری را داشته است.

ابتدا از استقلال شروع می‌کنیم. تیمی که در لیگ‌های برتر سوم و چهارم از مدعیان فتح نشان قهرمانی بود، لیگ برتر پنجم را برای قهرمانی آغاز کرد. امیر قلعه‌نویی هم با آوردن چند بازیکن جوان دیگر، ضعف‌های تیمش را به‌ویژه در خط هافبک پوشش داد تا مثل سال‌های گذشته در روزهای بحرانی، استقلال با مشکل روبه‌رو نشود. بازیکنانی مثل مجتبی جباری و مهدی رحمتی و اصغر طالب‌نسب. با این وصف استقلال از نظر نیروی انسانی به یکی از بهترین تیم‌های لیگ بدل شد. اما به غیر از نیروی انسانی چیزهای دیگری هم بود که استقلال را از سایر مدعیان لیگ متمایز می‌کرد. یکی اینکه اراده جمعی در فوتبال ایران بر قهرمانی این تیم متمرکز شده بود، دیگر اینکه این تیم تماشاگرانی را داشت که در همه بازی‌های این تیم چه در تهران و چه در شهرستان‌ها عرصه را بر حریفان تنگ می‌کردند و سوم اینکه مدیریت باشگاه خودش را جدا از تیم نمی‌دید و می‌کوشید تا به بهترین شکل خواسته‌های کادر فنی و بازیکنان را برآورده کند، بدون اینکه بخواهد فعالیت‌های خود را به رخ بکشد. اما در مقابل پاس فصل را به شکل دیگری آغاز کرد. این تیم ستاره سال‌های قبلش یعنی خداداد عزیزی را از دست داده بود و در شرایطی که مصطفی دنیزلی نتوانست بازیکنان دلخواهش مثل مصطفی مهدی‌زاده، آندرانیک تیموریان و آدریانو آلوز را به خدمت بگیرد، به یک تیم نه‌چندان پرستاره از نظر بازیکن بدل شد که تنها به تک‌ستاره خود جواد نکونام دل بسته بود. در شروع فصل گذشته هم پاس بیشتر به قهرمانی در لیگ قهرمانان آسیا می‌اندیشید تا قهرمانی در لیگ برتر ایران و برای همین مجموعه باشگاه روی رقابت‌های آسیایی زوم کرده بود. اما مهمترین اتفاقی که موقعیت پاس را در مقابل حریفش متزلزل می‌کرد، برخورد مدیران پاس با مسئولان و اهالی فوتبال ایران بود. چیزی که در نهایت موجب شد تا دنیزلی و تیم دوست‌داشتنی‌اش در انزوا قرار بگیرند و به نوعی بایکوت شوند.

با این همه در شروع لیگ برتر پنجم، پاس با رهبری مصطفی دنیزلی نه تنها در رقابت با استقلال قلعه‌نویی کم نیاورد که در بازی روبه‌رو به راحتی این تیم را شکست داد. پس از چند هفته همه چیز به نفع سبزهای تهران جریان داشت و آنها بودند که هم خیلی خوب بازی می‌کردند و هم خیلی خوب نتیجه می‌گرفتند، اما در این میان یکی از مهمترین اتفاقاتی که سبب عقب افتادن پاس شد، آن شکست ناباورانه مقابل العین امارات بود. شکستی که مجموعه باشگاه و تیم را به هم ریخت و شکست‌هایی به دنبال داشت.

در چنین شرایطی شاید اگر هر مربی دیگری به جز مصطفی دنیزلی بود، استعفایش را روی میز مدیر باشگاه می‌گذاشت و می‌رفت، اما او که سرد و گرم روزگار را چشیده به یکی از مهمترین عقایدش احترام گذاشت و با گفتن این جمله که «کسی که دل شکست را نداشته باشد، هیچ وقت به پیروزی نمی‌رسد» به فعالیت در پاس ادامه داد. جمع کردن آن تیم شکست‌خورده بدون تماشاگر که از طرف مدیریت هم تحت فشار بود، فقط کار مربیان بزرگی چون مصطفی دنیزلی بود و سرمربی بزرگ فوتبال ترکیه که پیشتر چه در نقش سرمربی فنرباغچه و چه به عنوان سرمربی گالاتاسرای چه با نشان سرمربی تیم ملی ترکیه، توانایی‌های خویش را به رخ کشیده بود، به بهترین شکل توانست پاس را جمع و جور کند و به کورس قهرمانی بازگرداند. گرچه فاصله استقلال و پاس زیاد شده بود، اما با محاسبه دنیزلی، پاس باید به شرایطی می‌رسید که از هر بازی به‌طور متوسط ۲/۱ امتیاز جمع می‌کرد و اینچنین به قهرمانی می‌رسید. در آن روزها که دنیزلی و پسرانش برای قرار گرفتن در کورس قهرمانی استارت زده بودند، البته استقلالی‌ها هم در فرم خوبی قرار داشتند و به صدر جدول سنجاق شده بودند. در این میان نقش امیر قلعه‌نویی هم بسیار پررنگ بود، چرا که استقلال هم به موازات پاس خیلی خوب بازی می‌کرد. اما با این همه پاسی‌ها گام‌های محکم‌تری برمی‌داشتند، چنان که در فاصله چند هفته مانده به پایان لیگ برتر توانستند، صدر جدول را از استقلال بگیرند. اما آنچه باعث عقب افتادن دوباره پاس شد، تصمیم عجیبی بود که دنیزلی گرفت و در یکی از مهمترین بازی‌های پاس، حاضر به همراهی تیمش نشد. دیداری که با شکست پاس پایان یافت و استقلال را در فاصله چهار هفته مانده به پایان لیگ به صدر جدول بازگرداند. اختلاف یک امتیازی که پس از این هفته بین استقلال و پاس افتاد، تا پایان لیگ حفظ شد و اینچنین استقلال قهرمان شد و پاس نایب قهرمان. اما آیا با توجه به آن تصمیم دنیزلی که قهرمانی را تقدیم استقلال کرد، می‌توان گفت که قلعه‌نویی بهتر از دنیزلی بوده؟ یادمان هست که تا پیش از بازی پاس و ذوب‌آهن همه از اعجاز دنیزلی سخن می‌گفتند که با بازیکنان معمولی‌تری (نسبت به استقلال) به صدر جدول آمده است. در تیم آقا مصطفی همه بازیکنان در حمله شرکت می‌کردند و همه آنها در دفاع. پیش از بازی نمی‌شد حدس زد که کدام یک از بازیکنان این تیم گل می‌زنند، چرا که در هر بازی همه بازیکنان در پروسه حمله شرکت می‌کردند. پاس اینچنین به یک تیم کامل و پیچیده بدل شد، درست برخلاف استقلال که کاملاً روش بازی‌اش پیدا بود و گاهی مقابل تیم‌هایی مثل شموشک هم کم می‌آورد. نکته دیگری که وجود داشت، شخصیتی بود که دنیزلی به تیمش می‌داد و چنان که دیدیم در بازی با ذوب‌آهن در نبود او پاس به یک تیم کاملاً معمولی و البته ضعیف بدل شد. در مقابل قلعه‌نویی هم توانست با استفاده صحیح از تمام ابزارهایش در راه قهرمانی گام بردارد و همین که توانست در خط حمله مثلثی را از جباری، عنایتی و اکبرپور شکل دهد که در همه بازی‌ها استقلال را به گل برساند، نشانگر نگاه درست او به توانایی‌های تیمش بود. قلعه‌نویی در تمام طول فصل استقلال را در بالاهای جدول نگه داشت و همین نشان می‌دهد که او مربی کاملاً موفقی برای این تیم بوده است.

ادامه در صفحه ۲۴